

بررسی رابطه جامعه پذیری دینی با جامعه پذیری سیاسی در بین جوانان ۱۸-۲۸ سال استان مرکزی

ساره دلشاد^۱، محمد حسین پوریانی^{۲*}، محمود شهیدی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷

DOI: 10.30495/JISDS.2023.74974.11940

چکیده

جامعه‌پذیری دینی و سیاسی جریانی است که از طریق آن فرهنگ دینی و سیاسی یا گرایش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها و اطلاعات و خلاصه ارزش‌ها و معیارهای دینی و سیاسی از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌گردد. هدف پژوهش حاضر آن است که رابطه جامعه‌پذیری دینی را با جامعه‌پذیری سیاسی بررسی نماید. چارچوب نظری پژوهش حاضر تلفیقی از نظریه ابعاد دینداری گلاک و استارک، و نظریه لوسین پای است. با الهام از نظریه گلاک و استارک جامعه‌پذیری دینی شامل ابعاد اعتقادی؛ مناسکی؛ تجربی؛ پیامدی است. بر اساس نظریه لوسین پای، جامعه‌پذیری سیاسی در پنج بعد فعالیت سیاسی، اعتماد سیاسی، اثربخشی سیاسی، علاقه سیاسی، بردباری سیاسی، کمی دیرتر و در بستر جامعه‌پذیری پایه به ویژه جامعه‌پذیری دینی قابل تحقق است. روش تحقیق در پژوهش حاضر پیمایشی از نوع توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها از دو روش اسنادی - کتابخانه‌ای و پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. جامعه مورد مطالعه این تحقیق ۳۸۴ نفر از جوانان ۱۸-۲۸ سال استان مرکزی است. نتایج نشان می‌دهد هرچند سطح بعد مناسک به ویژه مناسک جمعی جامعه‌پذیری دینی در حد پایین‌تری در مقایسه با دیگر ابعاد قرار دارد، با این‌همه نتایج پژوهش نشان‌دهنده موفقیت در جامعه‌پذیری دینی جوانان است. در مجموع میزان جامعه‌پذیری سیاسی و درونی شدن ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی در جوانان در سطح نسبتاً پایین‌تری در مقایسه با جامعه‌پذیری دینی قرار دارد. همچنین نتایج به دست آمده حاکی از ارتباط معنادار میان ابعاد مختلف جامعه‌پذیری دینی با جامعه‌پذیری سیاسی است. مقدار ضریب تبیین تصحیح شده نشان می‌دهد که ۳۵ درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی جامعه‌پذیری سیاسی، توسط متغیرهای وارد بر مدل رگرسیونی مورد تبیین واقع شده است.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری دینی، جامعه‌پذیری سیاسی، جوانان، استان مرکزی

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

(E mail: sare.delshad66@gmail.com)

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران (نویسنده مسئول).

(E mail: mhpouryani@yahoo.com)

^۳ استادیار گروه روابط بین الملل، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

(E mail: mahmoodshahidi@yahoo.com)

مقدمه

«جامعه‌پذیری»^۱ یا اجتماعی شدن «فرایندی روانی - اجتماعی است که بر پایه آن، شخصیت اساسی فرد، تحت تأثیر محیط مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی شکل می‌یابد (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۶۳). جامعه‌پذیری در مفهوم عام آن دلالت بر فرایندی دارد که به انتقال و کسب ارزش‌ها، نقش‌ها و رفتارهای اجتماعی منجر می‌شود (عبدالرحمن، ۲۰۰۱: ۲).^۲ نتیجه جامعه‌پذیری پدیدار شدن یک خود واحد است (هورتون و هانت^۳، ۱۹۸۹: ۸۹). به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن، هر فردی راهکارهای ارائه شده از جانب یک اجتماع معلوم یا گروه‌های اجتماعی را یاد می‌گیرد تا بتواند در آن جامعه کارکرد داشته باشد (الکین و هندبال^۴، ۱۹۷۲: ۱۱۹). از بعدی دیگر، این مفهوم به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن، افراد ویژگی‌هایی کسب می‌کنند که شایسته عضویت آن‌ها در جامعه است (اسکروتن^۵، ۲۰۰۷: ۶۴۹).

مفهوم عام جامعه‌پذیری و اجزای آن مانند جامعه‌پذیری سیاسی و دینی از دیدگاه اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان نوعی استراتژی برای حفظ انسجام اجتماعی و وحدت گروهی تلقی می‌گردد (کارولاین پلوس^۶، ۲۰۰۷). اهمیت جامعه‌پذیری به حدی است که به عقیده پیتر برگر^۷ (۱۹۶۷) جهان معاصر در سیطره گروه‌های قدرتمندی است که برای تصاحب مکانیسم‌های فرآیند جامعه‌پذیری به ویژه در ابعاد سیاسی و دینی با همدیگر رقابت می‌کنند (فروتین، ۱۳۹۲: ۷۴). «جامعه‌پذیری سیاسی»^۸ به معنای گسترده‌اش، جریانی است که از طریق آن فرهنگ سیاسی یا گرایش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها و اطلاعات و خلاصه ارزش‌ها و معیارهای سیاسی از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌گردد (لانگتون^۹، ۱۹۹۲: ۴؛ مهرداد، ۱۳۷۶: ۱۷).

جامعه‌پذیری دینی همچون مفهوم کلی و عام جامعه‌پذیری یک فرآیند مستمر آموزش و یادگیری است؛ با این تفاوت که این یادگیری معطوف به یک جهان دینی و فضای مقدس است. انسان‌ها به تدریج یک زبان دینی را فرا می‌گیرند که آنان را قادر می‌سازد تا مفاهیم ویژه ای همچون خدا را درک نمایند، آنان یاد می‌گیرند که مکان‌های ویژه و مقدسی (مانند مسجد) وجود دارند که با مکان‌های دیگر مانند خانه تفاوت دارند، آنان یاد می‌گیرند که کتاب‌های ویژه و مقدسی (مانند قرآن) وجود دارند که با کتابهای دیگر تفاوت دارند، آنان یاد می‌گیرند که انسان‌های ویژه و مقدسی (مانند پیامبران و امامان) وجود دارند که با انسان‌های معمولی تفاوت دارند. بر این اساس، جامعه‌پذیری دینی را فرآیند آموزش و یادگیری می‌توان تلقی نمود که از طریق آن انسانها می‌آموزند جهان را به به مثابه یک جهان سرشار از معانی و دلالت‌های دینی بنگرند (اینسکیپ^{۱۰}، ۱۹۸۸: ۱). از منظری دیگر، برخی اندیشمندان، جامعه‌پذیری دینی را «پایه‌های اجتماعی دین تعریف کرده‌اند» (کورنوال^{۱۱}، ۱۹۸۷).

در مطالعه جامعه‌پذیری دینی و سیاسی، گروه سنی جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرچند توافق کلی درباره مفهوم جوان نیست، اما از دیدگاه جامعه‌شناسی، «جوانی» دوره‌ای در زندگی هر فرد است که با بلوغ جسمی در حدود ۱۳ سالگی شروع می‌شود. جوانی، مفهومی زیست‌شناختی است، اما دوره‌ای اجتماعی و فرهنگی نیز هست. دوره‌ای که فرد شرایط لازم برای کنش مستقل در تمام عرصه‌های زندگی را کسب می‌کند و صاحب هویت اجتماعی و شخصی می‌شود (شفرز، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۴). برای افراد گروه سنی ۱۸-۲۸ سال، مفهوم «فرابلوغ» یا «فرابالغ» متداول شده است. ج.ر. گیلیس^{۱۲} در کتاب «تاریخ جوانان»، این دوره از زندگی جوانان را «دوره بلوغ بدون پایه اقتصادی» می‌نامد (شفرز، ۱۳۸۶: ۲۵). اهمیت مطالعه این گروه سنی از آنجا ناشی می‌شود

^۱ Socialization

^۲ این کتاب به زبان عربی نوشته شده است.

^۳ Horton, B. P., & Hunt, C. L.

^۴ Elkin, & Handel, G.

^۵ Scruton

^۶ Caroline Plus

^۷ Berger, P. L.

^۸ socialization Political

^۹ Langton

^{۱۰} Inskeep K. W.

^{۱۱} Cornwall, C.

^{۱۲} J.R. Gillis

که نتایج تثبیت جامعه‌پذیری دینی به عنوان بخشی از جامعه‌پذیری پایه‌ای دوران کودکی در این دوران قابل ردیابی است. از طرف دیگر تثبیت جامعه‌پذیری سیاسی در دوران نوجوانی و جوانی انجام می‌گیرد که نتایج آن در مشارکت دینی و سیاسی جوانان در جامعه قابل مشاهده و تحقق است.

مطالعه همزمان جامعه‌پذیری دینی و سیاسی در این پژوهش بر این منطق استوار است که هم عقیده با لوسین پای^۱ (۱۹۶۲) جامعه‌پذیری را می‌توان فرایندی سه مرحله شامل جامعه‌پذیری پایه‌ای، جامعه‌پذیری سیاسی و گمارش سیاسی - دینی دانست. جامعه‌پذیری دینی بخشی از فرآیند جامعه‌پذیری پایه است و جامعه‌پذیری سیاسی در گامی بعد از جامعه‌پذیری دینی قرار دارد. فرآیند گمارش سیاسی - دینی، زمانی شکل می‌گیرد که جوانان در ورای نقش منفعلانه شهروندی و مشاهده‌گر، تبدیل به یک شهروند مشارکت کننده فعال می‌شوند (شارع پور، ۱۳۸۶: ۲۹۱-۲۹۰).

فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی و دینی فرد، حاصل تاثیر مجموعه‌ای از متغیرهای متنوع و پیچیده است که در طول حیات انسان، ایستارهای سیاسی و دینی او را تشکیل می‌دهند. در کنار نظام آموزش و پرورش رسمی، نظام‌های آموزشی غیر رسمی نیز در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و دینی ایفای نقش می‌کنند؛ اما تاثیرات این نهادها گاهی نه تنها در جهت هم افزایی نیست، بلکه درست متضاد با آنها، القا کننده مفاهیمی متضاد است. این مساله با ظهور رسانه‌های جدید به ویژه پیام رسانی‌های شبکه‌های اجتماعی، رقبای سختی را در مسیر جامعه‌پذیری رسمی خلق کرده است. از طرف دیگر جامعه ایران پس‌انقلابی، در طول چهار دهه خود، فراز و نشیب‌های سیاسی و اجتماعی مختلفی را طی کرده است که تاثیرات آنها را در جامعه‌پذیری دینی و سیاسی مجدداً نمی‌توان انکار نمود. این تحولات می‌تواند به خلق فرهنگ سیاسی و دینی تازه‌ای منتهی شود که پیشتر اثری از آن نبوده است.

توجه همزمان به موضوعات اصلی (یکی، دین و سیاست و دیگری فرآیندهای جامعه‌پذیری دینی و سیاسی) بر اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر می‌افزاید. دین عنصر معنابخشی به وجود انسان و جهان محسوب می‌شود. هم عقیده با پیتر برگر، انسانها به جهت ناقص بودن ساختار غریزی شان، در طی قرون تلاش کرده‌اند تا از طریق دین، وجود خود و جهان را معنا دار سازند (علم، ۱۳۸۶: ۶۷). ضمن آنکه، دین یکی از بنیادی‌ترین عناصر فرآیند جامعه‌پذیری نیز تلقی می‌شود. از سوی دیگر، سیاست، زندگی با مسالمت و سودآور را چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی از طریق اعمال قدرت، و قدرت ظرفیت و توانایی حصول به نتایج دلخواه به آدمی می‌آموزد. اهمیت آموزش سیاسی، امری عمومی و مورد پذیرش همه جوامع است. هر شهروند بایستی از حداقل اطلاعات لازم برای ایفای وظایف، تعهدات و حقوق سیاسی و اجتماعی خود برخوردار باشد و احساساتی چون وفاداری به نظام، میهن پرستی، وابستگی به ارزش‌ها و نهادهای سیاسی در او تقویت شود تا بنیادهای مشروعیت نظام تحکیم یابد. فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی با هدف انتقال فرهنگ سیاسی، فعالیت بخشی به توانایی‌های فردی در حوزه سیاسی، همسو ساختن جوانان با اقتضانات نهاد سیاست و آماده‌سازی آنها برای ایفای نقش‌های محول و تأمین انتظارات شهروندی، از ابتدایی‌ترین مقطع تا واپسین لحظات عمر، به موازات سایر انواع جامعه‌پذیری، به صورت مستقیم و در فرآیند غیرمستقیم، توسط عوامل و کارگزاران مختلف ایجاد می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۳۱-۱۳۰).

واقعیت ملموس آنست که فرهنگ سیاسی نسل‌های جدید، روزه روز پاره پاره‌تر و دورتر از ارزش‌های مشترک وفاق گرایانه شده است. این نشانگر نبود یک نقشه راه و پشتوانه پژوهشی نزد عاملان رسمی باز تولید فرهنگ سیاسی است (سپهر، ۱۳۸۹: ۷۵). در همین راستا با نگاهی آسیب شناسانه به رفتارهای فردی و اجتماعی انسان‌ها (به طور عام) و نخبه‌ها، کارگزاران سیاسی و مدیریتی (به طور خاص)، نشان دهنده ضرورت تامل و بازاندیشی در «جامعه‌پذیری سیاسی» است. از دلایل مهم این بازاندیشی، تضعیف اخلاق سیاسی در سطح جامعه و در ارزیابی‌های عمومی است که شواهد آن را در آثار تبعی این تضعیف به ویژه کاهش اعتماد

^۱ Lucian Pye

^۲ resocialization political

اجتماعی و سیاسی به کارگزاران سیاسی می‌توان مشاهده نمود. بر این مبنای، با توجه به نقش اساسی دین و سیاست در زندگی فردی و اجتماعی ضرورت دارد که وضعیت و عوامل موثر بر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی و هویت دینی مورد مطالعه قرار گیرد.

با وجود پژوهش‌های متعدد انجام یافته در مورد جامعه‌پذیری سیاسی و دینی، تا آنجا که پژوهشگر رصد نموده است پژوهشی که همزمان این دو فرایند و عوامل موثر بر آنها را مورد مطالعه قرار دهد انجام نیافته است و از این منظر این پژوهش خلاقانه و نوآورانه محسوب می‌شود. در این میان، انتخاب استان مرکزی به عنوان جامعه هدف و مطالعاتی این پژوهش، علاوه بر علایق پژوهشگر به استان بومی، دلایل جامعه‌شناختی نیز دارد. استان مرکزی با دارا بودن ۱۲ شهرستان دارای بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر جمعیت است. این استان، زادگاه مشاهیر و و بسیاری از شخصیت‌های علمی، فرهنگی و ادبی ایران زمین است. هرچند استان مرکزی، پایتخت صنعت ایران است، متأسفانه در سه دهه اخیر توازن در توجه به حوزه فرهنگ سیاسی و دینی در قیاس با سایر بخش‌ها کم‌رنگ بوده و رعایت نشده است. برخی مسئولین استان معتقدند حوزه جوانان در استان مرکزی مغفول مانده است (سجادی، ایسنا، ۴ مهر ۱۳۹۸).^۱ همچنین هم عقیده با یکی دیگر از مسئولین دانشگاهی استان، در گذشته، نسل‌ها هر ۲۰ سال یکبار تغییر می‌کرد، اما اکنون تغییر نسل‌ها ۵ ساله شده است (عین القضاة، پیمان، ۴ مهر ۱۳۹۸).^۲ از ویژگی‌های امروز نسل جوان، کم‌طاقتی و پرسرعتی است. اگر فاصله بین نسلی سبب شکاف شود و جامعه نتواند آموزه‌های مد نظر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی خود را به نسل جدید منتقل کند تقابل فرهنگی ایجاد می‌شود. کنترل این تقابل فرهنگی، نیازمند تقویت بنیان‌های جامعه‌پذیری سیاسی و دینی در جامعه است و نخستین گام در این کار شناخت وضعیت جامعه‌پذیری دینی و سیاسی در جوانان استان و شناخت عوامل موثر بر آن است. بر این اساس در این پژوهش قصد داریم به پاسخ سوالات زیر دست یابیم:

✓ جامعه‌پذیری سیاسی و دینی در بین جوانان ۱۸-۲۸ ساله استان مرکزی چه وضعیتی دارد؟

✓ آیا جامعه‌پذیری دینی بر جامعه‌پذیری سیاسی جوانان موثر است یا خیر؟

پیشینه پژوهش

✓ نتایج پژوهش باقری، حسین زاده و شجاعی (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که میان متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی با متغیر مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد و متغیرهای قومیت و طبقه اجتماعی بر متغیر جامعه‌پذیری سیاسی تاثیرگذار است.

✓ نتایج پژوهش راسخ، قربانی و ماهوری (۱۳۹۸) حاکی است محیط آموزشی دانشگاه به مراتب بیشتر از عوامل بیرونی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تأثیر دارد.

✓ پژوهش خرم شاد و سوری (۱۳۹۸) نشان داد که با افزایش سطح اعتماد نهادی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، میزان اثربخشی آن‌ها بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان مقطع کارشناسی افزایش می‌یابد.

✓ نتایج پژوهش ابراهیم پور (۱۳۹۸) نشان داد بین میزان مصرف رسانه‌ای، سواد رسانه‌ای و ابعاد سه گانه آن؛ یعنی میزان آگاهی یا رژیم رسانه‌ای، میزان تحلیل پیام‌های رسانه‌ای و میزان برخورداری از دیدگاه انتقادی، با میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان رابطه معنا دار وجود دارد.

✓ خرم‌شاد و سوری (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند به هر میزان که سطح سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها بالاتر باشد، آن دانشگاه‌ها در تحقق کارویژه جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان خود موفق‌تر خواهند بود.

✓ نتایج پژوهش ساروخانی، احمدپورترکمانی و ازکیا (۱۳۹۷) حاکی است شبکه‌های اجتماعی مجازی در راستای

^۱ گزارش ایسنا از احمد سجادی مدیرکل اجتماعی و فرهنگی استانداری مرکزی در نشست هیات اندیشه ورز جوانان استان مرکزی
^۲ گزارش ایسنا از مصاحبه با پیمان عین القضاة معاون فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

- جامعه‌پذیری سیاسی غیررسمی و به عبارتی مغایر با آنچه که جامعه‌پذیری سیاسی رسمی است، عمل می‌کنند.
- ✓ نتایج پژوهش کشیشیان و موسی نژاد (۱۳۹۶) نشان می‌دهد فناوری اطلاعات از طریق دو مکانیسم افزایش آگاهی سیاسی افراد و درگیرسازی مدنی، آثار سیاسی خود را بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی اعمال می‌کند.
- ✓ یوسفی و مرتضویان (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند میزان تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تشویق افراد برای شرکت در انتخابات به عنوان یکی از مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی به صورتی مثبت و معنادار است.
- ✓ نتایج پژوهش ایور و راد (۱۳۹۶) نشان داد که بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی و میزان گرایش به دموکراسی رابطه معنی داری وجود دارد.
- ✓ نتایج پژوهش صدفی و بابایی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که میان دانشجویان پسر و دختر از نظر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای تفاوت معناداری وجود ندارند.
- ✓ نتایج پژوهش خواجه سروی (۱۳۹۴) نیز نشان می‌دهد میزان استفاده از رسانه‌های دولتی، و میزان مذهبی بودن پایگاه خانوادگی بر جامعه‌پذیری سیاسی افراد موثر است.
- ✓ نتایج پژوهش طلوعی و زراعت‌گر (۱۳۹۰) نشان داد هر چه اعتماد به تلویزیون و اخبار آن بالاتر رود، میزان جامعه‌پذیری افراد نیز بیشتر می‌شود.
- ✓ نتایج پژوهش سپهر (۱۳۸۹) حاکی است جامعه‌پذیری سیاسی نسل جدید، در همه جوامع، رمز ماندگاری، مشروعیت سیاسی و پایداری نظام سیاسی است.
- ✓ طبق یافته‌های تحقیق پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۸۹) سه متغیر تأثیرگذار در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان به ترتیب اهمیت عبارتند از: گروه همسالان، وسایل ارتباط جمعی و خانواده.
- ✓ نتایج پژوهش کوهن، اسکاچر و ریچ^۱ (۲۰۱۴) نشان داد که علاوه بر دینداری والدین، برداشت نوجوانان از معلمان به عنوان یک مدل رفتاری و همچنین مطالعات دینی نوجوانان، متغیرهای تأثیرگذار و معناداری در هویت دینی دانش‌آموزان می‌باشد.
- ✓ نتایج تحقیق هامپلوا و نسپور^۲ (۲۰۰۹) نشان داد که، در مقایسه با عوامل اجتماعی و جمعیت شناختی، جامعه‌پذیری دینی یک فرد نقش به مراتب مهمتری در تعیین نوع و کیفیت جهان بینی وی دارد.
- ✓ نتایج پژوهش کولت سابی^۳ (۲۰۰۷) حاکی است منابع اصلی و سنتی فرآیند جامعه‌پذیری هویت دینی عبارتند از مدارس، خانواده و مؤسسات و نهادهای دینی (مانند مساجد). در صورتیکه مطابق با پژوهش پارک و ایکلود^۴ (۲۰۰۷) خانواده‌ها بعنوان عامل اصلی تأثیرگذاری بر روی دینداری است. در این میان نتایج تحقیق هیمل فارب^۵ (۲۰۰۵) چهار عنصر خانواده، آموزش دینی در مدرسه، تجربیات دوره کودکی، تجربیات دوره بزرگسال را معرفی می‌کند.
- ✓ مطابق تحقیقات رگنوروس^۶ (۲۰۰۰) بین جامعه‌پذیری دینی و پیشرفت تحصیلی ارتباط مستقیمی وجود دارد.
- ✓ نتایج تحقیق هانسبرگر و براون^۷ (۱۹۸۴) نشان داد که از نقطه نظر پاسخگویان، خانه و خانواده عنصر و منبع مهمی در فرآیند جامعه‌پذیری دینی است. آنان معتقدند که والدین، به ویژه مادر، نقش بسیار تعیین کننده‌ای در جهت‌گیری مذهبی و فرآیند جامعه‌پذیری دینی دارند.

^۱ Cohen-Malayev, Schachter & Rich

^۲ Hamplova, D. and Nespor, Z. R.

^۳ Collet Sabe, J.

^۴ Park & Ecklund

^۵ Himmelfarb, H. S.

^۶ Regnerus, M. D.

^۷ Hunsberger, B. and Brown, L. B.

✓ نتایج تحقیقات جارویس^۱ (۱۹۷۴) در بریتانیا نشان داد که فضای دینی و معنوی حاکم بر کلاسهای درس و مجموعه مدرسۀ از اهمیت زیادی در فرآیند جامعه‌پذیری دینی دانش آموزان برخوردار است. در نقد پژوهش‌های انجام یافته باید به چند نکته اشاره نمود:

- در تحقیقات داخلی و خارجی، جامعه‌پذیری سیاسی و دینی از مناظر مختلف اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. تا آنجا که پژوهشگر رصد نموده است پژوهشی که همزمان دو فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و دینی و عوامل موثر بر آنها را مورد مطالعه قرار دهد انجام نیافته است و از این منظر این پژوهش خلاقانه و نوآورانه محسوب می‌شود.
- این تحقیقات در زمان‌ها و مکان‌های خاص خود صورت گرفته است که تعمیم نتایج حاصل شده را در جامعه مورد تحقیق (جوانان استان مرکزی) با شرایط کنونی دشوار می‌کند. تعمیم نتایج پژوهش‌های خارجی به جامعه آماری پژوهش حاضر به علت تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی عملی نیست. همچنین در دهه نود، کشور ما تغییرات گسترده‌ای را سپری کرده است که مهمترین آن گسترش شبکه‌های اجتماعی و نفوذ پیام رسانه‌ای فضای مجازی در زندگی روزمره مردم است. به عبارت دیگر رقبای جدی و جدیدی در عرصه جامعه‌پذیری ظهور کرده اند که کمیت و کیفیت آن را دگرگون کرده اند.

در نتیجه در حوزه پژوهش این رساله با خلاء جدی پژوهشی مواجه هستیم که اهمیت و ضرورت این پژوهش را دوچندان کرده است.

چارچوب نظری

در تدوین چارچوب نظری پژوهش از تلفیق نظریه‌های مختلف شامل نظریه ابعاد دینداری گلاک و استارک^۲، و نظریه لوسین پای استفاده شده است. این دو دیدگاه با وجود ظاهر ناهم‌ساز و نامرتب دارای نقاط مشترکی هستند که با تلفیق آنها می‌توان «رابطه جامعه‌پذیری دینی را با جامعه‌پذیری سیاسی» بهتر درک نمود.

در زیر موارد کاربرد نظریه‌های مورد استفاده در تبیین ابعاد مختلف موضوع مورد مطالعه تشریح شده است:

الف- تعیین ابعاد جامعه‌پذیری دینی و جامعه‌پذیری سیاسی

هر چند جامعه‌پذیری دینی و سیاسی توسط اندیشمندان مختلف تعریف شده است اما درباره تعیین ابعاد آن دیدگاه مشخصی وجود ندارد. در این باب نظریه لوسین پای در تعریف ابعاد جامعه‌پذیری سیاسی و نظریه گلاک و استارک در تعیین ابعاد جامعه‌پذیری دینی راهگشا هستند.

نظریه لوسین پای بر نقش جامعه‌پذیری در عبور دولت‌ها از بحران‌های نظام سیاسی می‌پردازد. پای نظریه خود را در حوزه نوسازی و توسعه سیاسی در چارچوب «نظریه بحران» مطرح کرده است. پای معتقد است که یک نظام سیاسی برای تحقق فرایند توسعه سیاسی، باید بتواند از یک سلسله بحران‌ها به طور موفقیت‌آمیز عبور کند. این بحران‌ها عبارتند از: بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران توزیع، بحران نفوذ، بحران مشارکت و بحران یکپارچگی (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۸۴).

با الهام از نظریه لوسین پای، فرایند جامعه‌پذیری سیاسی را شامل سه مرحله مهم فرآیند یادگیری، مرحله تشخیص و تمایز، و مرحله مشارکت می‌توان دانست. با مبنا قرار دادن این مراحل می‌توان ۵ بعد زیر را برای جامعه‌پذیری سیاسی استخراج نمود: فعالیت سیاسی، اعتماد سیاسی، اثربخشی سیاسی، علاقه سیاسی، بردباری سیاسی.

یکی از مشهورترین الگوهای که برای تعریف دینداری مطرح شده، الگوی گلاک و استارک است و این الگو با تأکید بر چندبعدی بودن مفهوم دینداری، علاوه بر آنکه منشأ مباحثی در این زمینه شده، ادبیات مربوط به این موضوع را نیز پربار کرده است

¹ Jarvis, P.

² Glock, Charles Y, & Rodney, Stark

(سراج زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۵۹). نظریه گلاک و استارک هرچند درباره عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دینی نمی‌پردازد اما در تعیین ابعاد مختلف جامعه‌پذیری دینی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.^۱ این دو نظریه پرداز ویژگی‌های متفاوتی برای دینداری دستچین و آنها را حول پنج حوزه اعتقادات، مناسک، تجربیات دینی، پیامدهای دینداری و دانش‌های دینی جمع کرده‌اند و مفهوم عملیاتی مجزایی از دینداری ساخته‌اند (طالبان، ۱۳۸۰: ۵۰).

گلاک در تلاش برای فهم و تبیین دین در امریکا طی دو دهه پنجاه و شصت، بحث ایجاد التزام دینی را مطرح کرد. وی این بحث را در سال ۱۹۶۲ گسترش داد و با همکاری استارک در سال ۱۹۶۵ به شرح و بسط آن پرداخت. هدف اصلی آنها از طرح این مباحث عموماً درک شیوه‌های مختلفی بود که مردم با توسل به آن خود را مذهبی تلقی می‌کردند. به نظر گلاک و استارک، همه ادیان جهانی به رغم آنکه در جزئیات بسیار متفاوت اند، دارای حوزه‌هایی کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها، جلوه‌گر می‌شود (طالبان، ۱۳۸۰: ۵۱). این حوزه‌ها که میتوان آنها را به مثابه ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت، عبارتند از: بعد اعتقادی، بعد مناسکی، بعد تجربی، بعد فکری، بعد پیامدی (استارک و گلاک، ۱۹۶۵: ۱۹-۲۰).

ب- رابطه بین جامعه‌پذیری دینی با جامعه‌پذیری سیاسی

در پژوهش‌های انجام یافته، جامعه‌پذیری دینی و جامعه‌پذیری سیاسی به عنوان دو متغیر جدا از هم در کنار همدیگر مورد مطالعه قرار نگرفته است اما در این پژوهش تأثیرات این دو در کنار هم مد نظر قرار گرفته است. در این میان نظریه لوسین پای به ما کمک می‌کند تا تأثیرات این دو را بهتر تبیین کنیم. این نظریه بر نقش جامعه‌پذیری در عبور دولت‌ها از بحران‌های نظام سیاسی می‌پردازد. پای نظریه خود را در حوزه نوسازی و توسعه سیاسی در چارچوب «نظریه بحران» مطرح کرده است.^۲ پای معتقد است که یک نظام سیاسی برای تحقق فرایند توسعه سیاسی، باید بتواند از یک سلسله بحران‌ها به طور موفقیت آمیز عبور کند. این بحران‌ها عبارتند از: بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران توزیع، بحران نفوذ، بحران مشارکت و بحران یکپارچگی. عبور موفقیت آمیز از این بحران‌ها توسط کارکردهای نظام سیاسی و فرایند جامعه‌پذیری انجام می‌گیرد. از دید پای جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی سه مرحله‌ای است که از جامعه‌پذیری عمومی یا پایه از ابتدای زندگی فرد آغاز شده و به فرایند فعالیت در امور سیاسی می‌رسد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۸۴). بر اساس نظریه پای، در یک جامعه پویا بین این سه فرایند درجه بالایی از پیوستگی و تداوم وجود دارد، به طوری که هر یک دیگری را تقویت می‌کند. بهم پیوستگی میان این سه فرایند، سبب برقراری نظم در جامعه می‌شود. در جوامع انتقالی، شرایط کاملاً متفاوت است به طوری که این مراحل فاقد انسجام و به هم پیوستگی می‌باشند. به علاوه فقدان ثبات و عدم تداوم برای فرایند جامعه‌پذیری پایه سبب بروز مشکلاتی برای شکل‌گیری هویت فرد می‌شود (اختر شهر، ۱۳۸۶: ۷۲-۷۳). از این رو نوعی بحران هویت پایه برای فرد به وجود می‌آید که می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های دیگر نیز باشد. لوسین پای فرایند جامعه‌پذیری سیاسی را دریچه فرایند رشد مورد ارزیابی قرار داده و آن را شامل سه مرحله مهم می‌داند که عبارتند از:

۱- فرآیند جامعه‌پذیری پایه (شامل یادگیری نگرش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها، الگوهای رفتاری و تجربیات ناخودآگاه در پویایی ساختار شخصیت اساسی که جوانان در این مرحله به عنوان عضوی از جامعه، هویت می‌یابند، با فرهنگ جامعه آشنا می‌شوند، در فرهنگ عمومی خویش، اجتماعی می‌شوند، می‌آموزند که چگونه می‌توانند عضو جامعه شوند و به عنوان دوران تشخیص هویت فرهنگی آنان تحقق می‌یابد. جامعه‌پذیری دینی نیز بخشی از فرایند جامعه‌پذیری پایه است.

^۱ مدل گلاک و استارک به نظر مرحوم علامه محمدتقی جعفری نیز یکی از عالی‌ترین تقسیم‌بندی‌ها در زمینه دینداری است و ایشان توجه به آن را برای محققان، ضرورت درجه اول دانسته‌اند.

^۲ این نظریه در کتاب زیر ترجمه و ارائه شده است:

پای، لوسین و دیگران. (۱۳۸۰) بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی. ترجمه غلامرضا خواجه سروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲- فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی که طی آن جوانان نسبت به بحران‌های سیاسی، آگاهی می‌یابند، نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آن‌ها را کسب می‌کنند و از این رهگذر جوانان فرهنگ سیاسی جامعه را در خود درونی می‌سازند و مفهوم هویت سیاسی تحقق می‌یابد.

۳- فرآیند گمارش سیاسی که طی آن جوانان به ورای نقش منفعلانه شهروندی و مشاهده‌گر صرف، حرکت می‌کنند و به یک شهروند مشارکت‌کننده فعال تبدیل می‌شوند. در این مرحله، جوانان بینش عمیق‌تری نسبت به بحران‌های سیاسی پیدا می‌کنند و به هویتی نهادینه شده و روشن دست می‌یابند (سبزی پور، ۱۳۸۷: ۴۲).

از این رو دیده می‌شود که جامعه‌پذیری سیاسی مد نظر «پای» فرایندی مرحله‌ای و متصل به هم می‌باشد که در جریان رشد فرد، تکامل یافته و موجب هویت و عمل سیاسی افراد می‌شود و وقفه یا اختلال در هر یک از این مراحل ممکن است جامعه‌پذیری فرد را متوقف کرده و سبب ایجاد بحران هم در فرد و هم در نظام سیاسی شود.

با تعمیم نظریه پای به موضوع پژوهش حاضر نیز می‌توان گفت جامعه‌پذیری جوانان در سه مرحله محقق می‌شود که گام اولیه آن جامعه‌پذیری دینی است. جامعه‌پذیری دینی در جامعه ما از همان دوران کودکی آغاز می‌شود و در مدارس و نظام رسانه‌ای ما نیز به شدت از آن حمایت می‌شود. جامعه‌پذیری سیاسی کمی دیرتر و در بستر جامعه‌پذیری پایه به ویژه جامعه‌پذیری دینی انجام می‌گیرد. این دو، زمینه لازم را برای مشارکت‌های دینی و سیاسی جوانان فراهم می‌کنند.

فرضیه‌ها

جامعه‌پذیری دینی جوانان (در ابعاد مختلف) بر جامعه‌پذیری سیاسی آنان (در ابعاد مختلف) موثر است.

روش تحقیق

این پژوهش با روش کمی با پیمایش مقطعی انجام یافته است.

انتخاب و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش یعنی تعداد جوانان ۱۸-۲۸ سال استان مرکزی بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، حدود ۴۷۰۹۱۷ نفر است که ۵۱ درصد آن را مردان و ۴۹ درصد زنان تشکیل می‌دهند. این جمعیت در ۱۲ شهرستان استان مرکزی توزیع شده است. حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای (طبقه‌ای و خوشه‌ای) بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ محاسبه گردید که این تعداد به نسبت جمعیت جوانان و مناطق شهرستان‌های مختلف استان مرکزی توزیع گردید. به این معنا که در هر شهرستان، نقشه‌ای از آن تهیه شد و نمونه در محلات مختلف آن به نسبت جمعیتی آنها توزیع و به انتخاب تصادفی با مراجعه حضوری به خانه‌ها پرسشنامه‌ها تکمیل شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر میزان جامعه‌پذیری سیاسی: در جامعه‌پذیری سیاسی فرد با وظایف، حقوق و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آشنا می‌شود. و سیاست در هر جامعه به همان گونه‌ای شکل می‌گیرد و پیاده می‌شود که شهروندان تحت لوای یک نظام به آن اعتقاد دارند و احساس می‌کنند (لانگتون، ۱۹۹۲: ۵۶). در این تحقیق برای سنجش میزان جامعه‌پذیری سیاسی پنج بعد برای آن مشخص گردید: مشارکت سیاسی / اعتماد سیاسی / اثربخشی سیاسی / علاقه سیاسی / بردباری سیاسی.

بعد مشارکت سیاسی بر اساس میزان فعالیت سیاسی در قالب طیف لیکرت (هرگز/ کم/ متوسط/ زیاد/ بسیار زیاد)؛ بعد اعتماد سیاسی بر اساس میزان اعتماد به افراد و نهادهای کشور در در قالب طیف لیکرت (عدم اعتماد/ کم/ متوسط/ زیاد/ بسیار زیاد)؛ بعد اثربخشی سیاسی بر اساس میزان باور به اثربخشی فعالیت آنها و دیگر شهروندان شامل ارائه پیشنهاد، انتقاد، اعتراض و ... در قالب طیف لیکرت (بی تاثیر/ کم/ متوسط/ زیاد/ بسیار زیاد)؛ بعد علاقه سیاسی بر اساس علاقه به فعالیت‌های سیاسی در قالب طیف لیکرت (هرگز/ کم/ متوسط/ زیاد/ بسیار زیاد)؛ بعد بردباری سیاسی بر اساس اعتقاد فرد به حق آزادی فعالیت‌های افراد و گروه‌ها در قالب طیف لیکرت (نباید فعالیت کنند/ فعالیت بسیار محدود/ فعالیت محدود/ حق فعالیت نسبتاً آزاد/ حق فعالیت کاملاً آزاد) مورد سنجش قرار گرفته است.

متغیر میزان جامعه پذیری دینی: جامعه‌پذیری دینی فرآیند آموزش و یادگیری است که از طریق آن انسانها می‌آموزند جهان را به مثابه یک جهان سرشار از معانی و دلالت‌های دینی ببینند (اینسکیپ، ۱۹۸۸: ۱). متغیر جامعه‌پذیری دینی بر اساس الگوی گلاک و استارک مورد سنجش قرار گرفته است. با الهام از نظریه گلاک و استارک می‌توان گفت که جامعه‌پذیری دینی شامل ابعاد زیر است:

بعد اعتقادی: انتقال و آموزش باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدان اعتقاد داشته باشند، مانند اعتقاد به وجود خداوند، وجود نبوت، ائمه و روز قیامت (استارک و گلاک، ۱۹۶۵: ۲۴ و ۲۵).

بعد تجربی یا عواطف دینی: موقعیت‌های برتر ایجاد شده‌ای که فرد در آنها خود را با نوعی شعور برتر رویارو می‌بیند. در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت‌غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. گلاک و استارک در عین آگاهی از مشکلات مطالعه بعد تجربی دین، برای تعریف عملیاتی این بعد، روشی را مطرح کردند که چهار نوع از جلوه‌های عواطف دینی شامل توجه، شناخت، اعتماد یا ایمان و ترس را در بر می‌گرفت. مواردی مانند احساس آرامش پس از انجام مناسک یا زیارت و نزدیکی به خدا در این دسته جای دارند.

بعد پیامدی یا آثار دینی: این بعد ناظر بر رفتار روزمره و غیر دینی افراد است و بیانگر حضور و وجود اندیشه و حس خداگرانه در متن زندگی است که در رفتار غیر دینی فرد استحکام می‌یابد و به زندگی او رنگ و بوی دینی می‌دهد (استارک و گلاک، ۱۹۶۵: ۱۰-۱۱). به عبارت ساده‌تر، این بعد شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است (استارک و گلاک، ۱۹۶۵: ۲۱). به عنوان مثال، در نوع نگرش او به مواردی مانند دروغ، غیبت یا ربا.

برای ابعاد سه‌گانه اعتقادی، تجربی یا عواطف دینی، و پیامدی از گویه‌هایی استفاده شده است که پاسخگو میزان مخالفت/ موافقت خود را در قالب طیف لیکرت (بسیار مخالفم/ مخالفم/ بی نظر/ موافقم/ بسیار موافقم) مشخص می‌کند.

بعد مناسکی یا عمل دینی: این بعد آموزش اعمال دینی مشخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه گرفتن و ... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به جا آورند، شامل می‌شود. (استارک و گلاک، ۱۹۶۵: ۲۰). این بعد مشتمل بر دو دسته است: الف: شعائر یا مناسک فردی ب: شعائر یا مناسک جمعی.

برای سنجش این بعد نیز چندین مناسک فردی و جمعی به پاسخگو ارائه شده است تا فرد میزان عمل به آنها را بر اساس طیف لیکرت (اصلاً/ به ندرت/ گاهی اوقات/ اغلب اوقات/ همیشه) مشخص نماید.

ابزار اندازه‌گیری و روایی و پایایی آن

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه با روایی صوری است. احراز روایی صوری با تایید متخصصان و صاحب‌نظران درباره کلیت پرسشنامه و مطلوب بودن آن در جهت پاسخگویی به سوالات تحقیق به دست آمده است. به منظور سنجش میزان پایایی پرسشنامه

از تکنیک هم‌هنگی درونی گویه‌ها یا آلفای کرونباخ استفاده شد. تمامی متغیرهای مورد بررسی، مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰,۷ داشتند.

دو متغیر تابع این پژوهش دارای ابعاد چندگانه بودند. بر این اساس به منظور برای برآورد اعتبار سازه‌ای مرتبط با سازه جامعه پذیری دینی و جامعه‌پذیری سیاسی، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. با استفاده از تکنیک مذکور، زیرمجموعه‌های مرتبط با یک بعد و تعداد عوامل قابل قبول با استفاده از دو روش سنگریزه و مقادیر ویژه مشخص گشته است.

جدول ۱: برآورد اعتبار سازه‌ای جامعه‌پذیری دینی و جامعه‌پذیری سیاسی

نام متغیر چند بعدی	ابعاد	معناداری شاخص مجذور کای برای آزمون کرویلت بارتلت	شاخص کفایت نمونه‌برداری Kmo	درصد مقدار واریانس تبیین شده
جامعه‌پذیری دینی	مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، اثربخشی سیاسی، علاقه سیاسی، بردباری سیاسی	Sig=0/00	۰,۸۵	۶۷
جامعه‌پذیری سیاسی	اعتقادی، تجربی، پیامدی، مناسکی (فردی و اجتماعی)	Sig=0/00	۰,۸۱	۶۴

در متغیرهای جامعه‌پذیری دینی و جامعه‌پذیری سیاسی مقدار واریانس تبیین شده حاکی از این است که به ترتیب حدود ۶۷ و ۶۴ درصد از تغییرات عامل جامعه‌پذیری دینی و جامعه‌پذیری سیاسی را ابعاد تعریف شده در این مدل تبیین نموده‌اند. مقدار آماری کای دو و سطح معنی‌داری این دو متغیر حاکی از برازش مطلوب مدل آنها است.

تحلیل یافته‌ها و داده‌ها

آمار توصیفی

مشخصات جمعیت شناختی: از نظر ترکیب جنسیتی ۵۱ درصد جوانان مورد مطالعه را مردان و ۴۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. حدود ۴۳ درصد از پاسخگویان از شهرستان اراک، ۲۰ درصد از شهرستان ساوه و بقیه از دیگر شهرستان‌ها هستند. (جدول زیر) از نظر میزان تحصیلات بیشتر جوانان یعنی حدود ۵۳ درصد لیسانس هستند. بیشتر آنها (حدود ۵۲ درصد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسطی برخوردار هستند.

جدول ۲: نمونه‌های آماری به تفکیک زنان و مردان جوان ۱۸-۲۸ سال شهرستان‌های مختلف استان مرکزی

ردیف	شهرستان	جمعیت جوان (۱۸-۲۸)		
		مرد	زن	کل
۱	اراک	۸۵	۸۱	۱۶۴
۲	آشتیان	۲	۲	۴
۳	تفرش	۳	۳	۶
۴	خمین	۱۳	۱۲	۲۵
۵	خندان	۷	۷	۱۴
۶	دلیجان	۷	۷	۱۴
۷	زرنديه	۹	۸	۱۷
۸	ساوه	۳۸	۴۰	۷۸

جمعیت جوان (۱۸-۲۸)			شهرستان	ردیف
کل	زن	مرد		
۲۹	۱۴	۱۵	شازند	۹
۷	۳	۴	فراهان	۱۰
۹	۴	۵	کمیجان	۱۱
۱۵	۷	۸	محللات	۱۲
۳۸۴	۱۸۸	۱۹۶	مجموع	

توصیف وضعیت جامعه پذیری دینی و جامعه پذیری سیاسی:

سنجش جامعه پذیری دینی

برای سنجش جامعه پذیری دینی، مولفه‌های مناسکی فردی، مناسکی جمعی، اعتقادی، تجربی و پیامدی طرح شده بودند. نتایج به دست آمده نشان داد:

الف- در بعد مناسکی فردی، میزان انتقال ارزش‌های مربوطه در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. بر این اساس، حدود ۳۸,۰۳ درصد از جوانان پاسخگو به انجام مناسک فردی پایبند بوده‌اند. در این میان ۴۱,۱۴ درصد نسبت تعهد متوسطی به انجام مناسک فردی دارند، اما درصد پایینی یعنی حدود ۲۰,۳۸ از جوانان در این بعد جامعه پذیری در سطح پایینی قرار دارند.

ب- در بعد مناسک جمعی، وضعیت جامعه پذیری سطح پایین تری در مقایسه با مناسک فردی دارد. طوریکه حدود ۳۵,۱۵ درصد از جوانان سطح پایینی از جامعه پذیری دارند. یعنی حدود ۱۰ درصد بیشتر از مناسک فردی. در این میان حدود ۴۴,۵۳ درصد جامعه پذیری متوسط و ۲۰,۳۲ درصد جامعه پذیری بالا دارند.

ج- وضعیت در بعد اعتقادی گواه میزان بالای جامعه پذیری جوانان است؛ طوریکه بیش از نیمی از جوانان (۵۱,۰۵ درصد) جامعه پذیری بالا و فقط ۸,۰۷ درصد آنها جامعه پذیری در سطح پایین دارند. در این میان حدود ۴۰,۸۸ درصد نیز جامعه پذیری متوسط دارند.

د- جوانان در بعد تجربی جامعه پذیری بالایی دارند یعنی حدود ۶۰,۱۶ درصد از آنها ارزش‌های مرتبط با احساسات و تجربه های دینی خود را در خود درونی کرده‌اند. در این میان درصد کمی یعنی ۱۳,۰۲ درصد جامعه پذیری پایین و ۲۶,۸۲ درصد نیز جامعه پذیری متوسط دارند.

ه- در بعد پیامدی جامعه پذیری دینی نیز وضعیت جامعه پذیری نشان می‌دهد حدود ۴۵,۸۳ درصد در سطح بالا و ۴۳,۴۹ درصد در سطح متوسط قرار دارند و فقط ۱۰,۶۸ درصد در سطح پایین جامعه پذیری قرار دارند.

و- در مجموع و کلیت میزان جامعه پذیری دینی جوانان در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. یعنی ۴۳,۲۳ درصد از آنها میزان بالا و ۳۹,۳۲ درصد نیز از میزان متوسط جامعه پذیری دینی برخوردار هستند. در این میان، حدود ۱۷,۴۵ درصد از جوانان نیز از میزان پایین جامعه پذیری دینی برخوردار هستند.

جدول ۳: فراوانی مطلق و درصدی ابعاد مختلف جامعه پذیری دینی در سطوح پایین، متوسط و بالا

جمع	بالا		متوسط		پایین		بعد جامعه پذیری دینی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۸۴	۳۸,۰۳	۱۴۶	۴۱,۱۴	۱۵۸	۲۰,۸۳	۸۰	مناسکی فردی
۳۸۴	۲۰,۳۲	۷۸	۴۴,۵۳	۱۷۱	۳۵,۱۵	۱۳۵	مناسکی جمعی
۳۸۴	۵۱,۰۵	۱۹۶	۴۰,۸۸	۱۵۷	۸,۰۷	۳۱	اعتقادی

جمع	بالا		متوسط		پایین		بعد جامعه پذیری دینی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۸۴	۶۰,۱۶	۲۳۱	۲۶,۸۲	۱۰۳	۱۳,۰۲	۵۰	تجربی
۳۸۴	۴۵,۸۳	۱۷۶	۴۳,۴۹	۱۶۷	۱۰,۶۸	۴۱	پیامدی
۳۸۴	۴۳,۲۳	۱۶۶	۳۹,۳۲	۱۵۱	۱۷,۴۵	۶۷	جامعه پذیری دینی (کل)

سنجش میزان جامعه پذیری سیاسی

در سنجش جامعه پذیری سیاسی نیز ابعاد مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، اثربخشی سیاسی، علاقه سیاسی و بردباری سیاسی مد نظر قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان داد:

الف- ارزش‌های بعد مشارکت سیاسی، به میزان پایینی در جوانان نهادینه شده است. بر این مبنای بیش از نیمی از آنها (۵۲,۰۸ درصد) جامعه پذیری پایینی دارند و در مقابل فقط ۱۶,۶۷ درصد آنها جامعه پذیری بالا و ۳۱,۲۵ درصد جامعه پذیری متوسط دارند.

ب- در بعد اعتماد سیاسی ارزش‌های مربوطه همانند مشارکت سیاسی کمتر انتقال یافته اند. این دلسردی و ناامیدی بالای سیاسی باعث شده است تا نزدیک به نیمی از جوانان (۴۹,۴۸ درصد) جامعه پذیری پایین و در مقابل فقط ۱۵,۶۳ درصد از آنها ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با اعتماد سیاسی را در سطح بالایی درونی کنند.

ج- در ارزش‌های مرتبط با اثربخشی سیاسی نیز حدود ۳۵,۹۴ درصد در سطح بالا و تنها ۱۴,۵۸ درصد در سطح بالا درونی شده است. در این میان نیز نزدیک به نیمی از جوانان (۴۹,۴۸ درصد) این ارزش‌ها را به صورت متوسط در خود درونی ساخته اند.

د- جامعه پذیری سیاسی توانسته است فقط در ۱۵,۱۱ درصد از جوانان در سطح بالا ارزش‌های علاقه سیاسی را درونی کند در صورتیکه ۳۳,۳۳ درصد این ارزش‌ها در سطحی پایین و ۵۱,۵۶ درصد نیز در حد متوسط درونی شده اند.

ه- در ارزش‌های مرتبط با بردباری سیاسی وضعیت اندکی متفاوت است طوریکه توزیع درصدهای فراوانی در سطوح بالا و متوسط و پایین نزدیک هم است. (۳۱,۲۵ درصد در سطح بالا، ۳۸,۰۲ در سطح متوسط و ۳۰,۷۳ درصد در سطح پایین).

و- در مجموع میزان جامعه پذیری سیاسی و درونی شدن ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی در جوانان در سطح نسبتاً "پایین تری در مقایسه با جامعه پذیری دینی قرار دارد. به عبارت دقیق تر، حدود ۴۰,۳۶ درصد از جوانان در سطح پایین جامعه پذیری سیاسی قرار دارند و فقط ۱۸,۷۶ درصد از آنها در سطح بالای درونی ساختن ارزش‌های سیاسی هستند و در این میان ۴۰,۸۸ درصد نیز در حد متوسط قرار دارند.

جدول ۴: فراوانی مطلق و درصدی ابعاد مختلف جامعه پذیری سیاسی در سطوح پایین، متوسط و بالا

جمع	بالا		متوسط		پایین		بعد جامعه پذیری سیاسی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۸۴	۱۶,۶۷	۶۴	۳۱,۲۵	۱۲۰	۵۲,۰۸	۲۰۰	بعد مشارکت سیاسی
۳۸۴	۱۵,۶۳	۶۰	۳۴,۸۹	۱۳۴	۴۹,۴۸	۱۹۰	اعتماد سیاسی
۳۸۴	۱۴,۵۸	۵۶	۴۹,۴۸	۱۹۰	۳۵,۹۴	۱۳۸	اثربخشی سیاسی
۳۸۴	۱۵,۱۱	۵۸	۵۱,۵۶	۱۹۸	۳۳,۳۳	۱۲۸	علاقه سیاسی
۳۸۴	۳۱,۲۵	۱۲۰	۳۸,۰۲	۱۴۶	۳۰,۷۳	۱۱۸	بردباری سیاسی
۳۸۴	۱۸,۷۶	۷۲	۴۰,۸۸	۱۵۷	۴۰,۳۶	۱۵۵	جمع

ب- یافته‌های استنباطی:

تحلیل رگرسیونی

هدف از انجام تحلیل رگرسیونی، تعیین سهم و تاثیر متغیرهای عمده تحقیق در تبیین و پیش بینی تغییرات متغیرهای وابسته (ابعاد جامعه پذیری سیاسی) است. بر اساس نتایج کسب شده، می توان گفت: در مجموع ابعاد مختلف جامعه پذیری دینی، بر جامعه پذیری سیاسی تاثیر معنی داری دارند. مقدار ضریب تبیین تصحیح شده نشان می دهد که ۳۵ درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی جامعه پذیری سیاسی، توسط متغیرهای وارد بر مدل رگرسیونی مورد تبیین واقع شده است.

جدول ۵: آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره جامعه پذیری سیاسی

متغیر	بتا	t	sig	آنالیز واریانس	
				کمیت F	سطح معناداری
ضریب همبستگی چندگانه	۰,۵۸				
مناسکی فردی	۰,۱۵	۲,۸۱	۰,۰۰	۲۸,۷	۰,۰۰
مناسکی جمعی	۰,۱۱	۲,۷۸	۰,۰۰		
اعتقادی	۰,۳۲	۴,۱۵	۰,۰۰		
تجربی	۰,۲۸	۳,۸۷	۰,۰۰		
پيامدی	۰,۲۳	۳,۴۵	۰,۰۰		
ضریب تبیین	۰,۳۶				
ضریب نبیین اصلاح شده	۰,۳۵				
اشتباه معیار برآورد	۷,۷۸				

تحلیل مسیر

متغیر مشارکت سیاسی، را به عنوان خروجی عملی و عینی جامعه پذیری سیاسی می توان در نظر گرفت. بر این اساس به منظور شفاف شدن میزان تاثیر پذیری مستقیم، غیرمستقیم و کلی این بعد، و همچنین میزان تبیین دیگر ابعاد جامعه پذیری سیاسی، با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر، مدل مورد آزمون و تایید قرار گرفت. نتایج این تحلیل به صورت زیر قابل طرح است:

- اثر مستقیم بردباری سیاسی بر متغیر مشارکت سیاسی منفی است ولی معنادار نیست. تاثیر غیر مستقیم این متغیر معنادار است. اثرات کل بردباری سیاسی ۰,۱۳ می باشد.
- اثر مستقیم و غیر مستقیم علاقه سیاسی بر متغیر تابع معنی دار است. در مجموع این متغیر ۲۲ درصد بر متغیر مشارکت سیاسی تاثیر معناداری دارد.
- اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیر اثربخشی سیاسی بر متغیر مشارکت سیاسی معنادار است. این متغیر در مجموع ۳۱ درصد بر متغیر مشارکت سیاسی تاثیر معناداری دارد.
- اثر مستقیم متغیر اعتماد سیاسی بر بر متغیر مشارکت سیاسی معنادار است.
- اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیر جامعه پذیری اعتقادی معنادار نیست.
- اثر مستقیم متغیر جامعه پذیری تجربی معنادار است اما اثر غیرمستقیم آن معنادار نیست؛ با این همه در مجموع ۲۲ درصد بر متغیر مشارکت سیاسی تاثیر معناداری دارد.
- اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیر جامعه پذیری پیامدی بر متغیر مشارکت سیاسی معنادار است. این متغیر در مجموع ۱۸ درصد بر متغیر مشارکت سیاسی تاثیر معناداری دارد.
- اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیر جامعه پذیری مناسک فردی بر متغیر مشارکت سیاسی معنادار است. این متغیر در مجموع ۳۲ درصد بر متغیر مشارکت سیاسی تاثیر معناداری دارد.

- اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیر جامعه پذیری مناسک جمعی بر متغیر مشارکت سیاسی معنادار است. این متغیر در مجموع ۴۰ درصد بر متغیر مشارکت سیاسی تاثیر معناداری دارد.

جدول ۶: تحلیل مسیر میزان مشارکت سیاسی بر اساس متغیرهای مستقل

اثرات تحلیل نشده	اثرات تحلیل شده	اثر کل	نوع اثر		متغیرهای مستقل
			اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	
۰,۷۶	۰,۲۴	**۰,۱۳	**۰,۱۷	-۰,۰۴	بردباری سیاسی
		**۰,۲۲	**۰,۱۱	**۰,۱۱	علاقه سیاسی
		**۰,۳۱	*۰,۱۰	**۰,۲۱	اثربخشی سیاسی
		**۰,۲۳	-	**۰,۲۳	اعتماد سیاسی
		۰,۰۹	۰,۰۳	۰,۰۶	جامعه پذیری اعتقادی
		*۰,۲۲	۰,۰۸	**۰,۱۴	جامعه پذیری تجربی
		**۰,۱۸	**۰,۱۲	**۰,۱۶	جامعه پذیری پیامدی
		**۰,۳۲	**۰,۱۴	**۰,۱۸	جامعه پذیری مناسک فردی
		**۰,۴۰	**۰,۱۵	**۰,۲۵	جامعه پذیری مناسک جمعی

نتیجه گیری و بحث

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تاثیر جامعه پذیری دینی بر جامعه پذیری سیاسی است. این مطالعه در پاسخگویی به این پرسش کلیدی است که آیا یک خود واحد در جامعه در مقیاس های مختلف شکل گرفته است یا نه و آیا ما در انتقال ارزش هایی که برای حفظ انسجام اجتماعی و وحدت گروهی خود به آنها نیاز داریم موفق بوده ایم یا خیر. به ویژه در عصر سیطره رسانه ها و فضای مجازی، رقابتی قدرتمندی در تصاحب مکانیسم های فرآیند جامعه پذیری سیاسی و دینی وجود دارد که نقش نهادهای سنتی را به چالش می کشد و لزوم بازنگری در نقش و عملکرد آنها را به ما یادآور می شود.

هرچند در برخی ابعاد جامعه پذیری دینی مانند مناسک به ویژه مناسک جمعی در حد پایین تری در مقایسه با دیگر ابعاد قرار داریم، با این همه نتایج پژوهش حاضر، نشان دهنده موفقیت در جامعه پذیری دینی جوانان است. اما میزان جامعه پذیری سیاسی و درونی شدن ارزش ها و هنجارهای سیاسی در جوانان در سطح نسبتاً پایین تری در مقایسه با جامعه پذیری دینی قرار دارد. از طرف دیگر نتایج گواهی است بر تاثیر جامعه پذیری دینی بر جامعه پذیری سیاسی. این نتایج تاییدی است بر نظریه لوسین پای که بر اساس آن، جامعه پذیری دینی بخشی از فرآیند جامعه پذیری پایه است و جامعه پذیری سیاسی در گامی بعد از جامعه پذیری دینی قرار دارد. در نتیجه فرآیند گمارش سیاسی - دینی در جوانان، با مشارکت فعال جوانان در امور دینی - سیاسی شکل می گیرد. این تاثیر در جامعه ایران پس از انقلابی، در فراز و نشیب های سیاسی و اجتماعی چهار دهه، در خلق فرهنگ سیاسی و دینی تازه ای نموده یافته است که نیازمند بازنگری جدی است. عدم توجه به جامعه پذیری سیاسی و دینی موجب خواهد شد که این دو فرآیند در مسیری ناهمگون با رشد و توسعه اجتماعی قرار بگیرند؛ چراکه جامعه پذیری به عنوان ساختاریابی نظم و انضباط و هنجارپذیری جوانان جامعه، یکی از شروط لازم برای دستیابی به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و بر عکس، فساد و انحراف آنها از هنجارهای اجتماعی، موجبات اضمحلال و تباهی جامعه می شود که در این صورت، تعقیب اهداف رشد و توسعه در عرصه های مختلف حیات آن جامعه مختل می شود و بدون حضور فعال قشر جوان، حرکت چرخ های جامعه به سوی توسعه و ترقی ناممکن خواهد بود.

نتایج تحقیق حاضر با آزمون آماری رگرسیون، نشان داد که جامعه پذیری دینی به عنوان متغیری کلیدی در افزایش جامعه پذیری سیاسی تاثیرگذار بوده است. بنابر این بر اساس یافته‌ها پژوهش تقویت جامعه پذیری دینی به عنوان بستر و پایه و اساس جامعه پذیری سیاسی نیازمند بازنگری در رابطه دیالکتیک عاملان و ساختارهای جامعه پذیری است. هرچند در بعد اعتقادی، تجربی و پیامدی میزان جامعه پذیری دینی در حد بالایی قرار دارد اما در بعد مناسکی به ویژه مناسک جمعی میزان جامعه پذیری در حد پایینی قرار دارد. پایین بودن این بعد از جامعه پذیری دینی ریشه در تعامل بین نهادهای دینی و متولیان آنها با جوانان دارد. از طرف دیگر در جامعه پذیری سیاسی، پایین بودن مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی در مقایسه با دیگر ابعاد نشان دهنده اختلال در تعامل نهادهای سیاسی و تصمیم سازان و نخبگان سیاسی با جوانان می‌باشد. وقتی اعتماد سیاسی به نهادها و کنشگران سیاسی در حد پایینی باشد مشارکت سیاسی نیز در حد پایینی خواهد بود. بر این اساس ریشه‌های ناکامی در جامعه پذیری دینی و سیاسی در جامعه مورد پژوهش را باید در عملکرد نهادهای دینی و سیاسی و کنشگران آنها جستجو کرد که الگویی مناسب را برای جوانان در این راستا ارائه نمی‌کند. این دوری فرهنگ دینی - سیاسی نسل‌های جوان از ارزش‌های مشترک وفاق‌گرایانه ضرورت تدوین یک نقشه راه را در باز تولید فرهنگ دینی - سیاسی به ما یادآور می‌شود.

منابع

۱. ابراهیم پور، داوود (۱۳۹۸) بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای با جامعه پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش)، دوره ۲۶، شماره ۳ (پیاپی ۹۹)، ۱۴۹-۱۸۳
۲. احمدپورترکمانی، بابک؛ ازکیا مصطفی؛ ساروخانی باقر (۱۳۹۷) نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه پذیری سیاسی جوانان با تاکید بر دسترس پذیری رسانه‌ای و کاربر فعال، مطالعات رسانه‌ای، دوره ۱۳، شماره ۲ (پیاپی ۴۱)، ۲۱-۳۹.
۳. اختر شهر، علی، (۱۳۸۶)، مولفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی، تهران: انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. ایور، هزار؛ راد، فیروز (۱۳۹۶) بررسی عوامل اجتماعی جامعه پذیری سیاسی مرتبط با میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان بومی دانشگاه‌های شهر مهاباد، مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ۲۵-۴۱.
۵. باقری، معصومه؛ حسین زاده، علی حسین؛ شجاعی، حسن (۱۳۹۸) بررسی رابطه جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز با رویکرد الگوسازی معادله ساختاری، فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، دوره ۱۴، شماره ۴۹، ۵۵-۸۵.
۶. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
۷. بیرو، آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان.
۸. پای، لوسین و دیگران. (۱۳۸۰) بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی. ترجمه غلامرضا خواجه سروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. حسینی، سیدحسن؛ میرزایی ملکیان، محمد؛ توکلی، زهره (۱۳۸۹) بررسی تاثیر خانواده بر جامعه‌پذیری سیاسی مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۱، شماره ۱، ۶۷-۸۲.
۱۰. خرم شاد محمدباقر؛ سوری، فرزاد (۱۳۹۸) نقش سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۸، شماره ۲۹ (پیاپی ۵۹)، ۴۳-۷۹.
۱۱. خرم شاد، محمدباقر؛ سوری، فرزاد (۱۳۹۸) اعتماد نهادی، دانشگاه‌های دولتی و جامعه‌پذیری سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۲ (پیاپی ۴۲)، ۱-۳۰.

۱۲. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۴) عوامل موثر بر جامعه پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه های دولتی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۶، شماره ۴، ۳۱-۵۵.
۱۳. رابرتسون، ی. (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه، حسین بهروان، نشر آستان قدس رضوی.
۱۴. راسخ، کرامت اله؛ قربانی، عاطفه؛ ماهوری، محمد (۱۳۹۸) تأثیر محیط آموزشی و رسانه های ارتباط جمعی بر جامعه پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز، دانش سیاسی، دوره ۱۵، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، ۸۱-۱۰۱.
۱۵. سبزی پور، حامد، (۱۳۸۷) جامعه پذیری سیاسی: مروری کوتاه بر ادبیات موضوع، ماهنامه رشد علوم اجتماعی، دوره یازدهم، شماره ۳۹، ۴۳-۴۵.
۱۶. سپهر، مسعود (۱۳۸۹) یک چهارچوب نظری برای جامعه پذیری سیاسی نوجوانان ایران، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)، دوره ۶، شماره ۱۳، ۵۵-۷۷.
۱۷. سجادی، احمد، عین القضاتی، پیمان، گزارش سایت ایسنا، ۴ مهر ۱۳۹۸.
۱۸. سراج زاده، سیدحسین و توکلی، مهناز (۱۳۸۰) بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش های اجتماعی، نامه پژوهش: فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال پنجم شماره ۲۰ و ۲۱، ۲۰-۲۱.
۱۹. شارع پور، محمود (۱۳۸۶) جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: سمت
۲۰. شفرز، برنارد (۱۳۸۶) مبانی جامعه شناسی جوانان، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران: شرنی.
۲۱. صدقی، ذبیح اله؛ بابایی، سکینه (۱۳۹۴) بحران های سیاسی، شبکه های اجتماعی و جامعه پذیری سیاسی رسانه ای جوانان، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۴، شماره ۲۸، ۱-۳۴.
۲۲. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰) دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش آموز، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۳. طلوعی، علی؛ زراعتگر، علی اکبر (۱۳۹۰) بررسی نقش تلویزیون بر جامعه پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد پژوهش اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۲، ۵۵-۷۴.
۲۴. عبدالرحمن، عبدالله محمد، (۲۰۰۱م)، علم الاجتماع السياسي والنشاه النظرية والاتجاهات المدینه والمعاصره، مترجم کامیار صداقت ثمر حسینی، دار النهضه العربیه.
۲۵. علم، قربان (۱۳۸۶) منشا دین از دیدگاه پیترو ال. برگر، ترجمه مهدی حسن زاده، فصلنامه مقالات و بررسیها، شماره ۲ (پیاپی ۸۳، ۱۳۸۶)، ۶۷.
۲۶. فروتن، یعقوب (۱۳۹۲) استراتژی جامعه پذیری دینی در ایران، مطالعات ملی، دوره ۱۴، شماره ۱، ۷۳-۹۶.
۲۷. کشیشیان، گارینه؛ موسی نژاد، محمدجواد (۱۳۹۶) نقش فناوری اطلاعات بر شاخص های جامعه پذیری سیاسی (با تاکید بر جمهوری اسلامی ایران) پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی) شماره ۲۱، ۱۴۷-۱۷۲.
۲۸. مهرداد، هرمز، (۱۳۷۶) جامعه پذیری سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر پاژنگ.
۲۹. یوسفی، حسن؛ مرتضویان، سیدعلی (۱۳۹۶) نقش شبکه های اجتماعی بر جامعه پذیری سیاسی دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه های آزاد اسلامی واحدهای تهران (۱۳۸۴-۱۳۹۴)، مطالعات سیاسی، دوره ۹، شماره ۳۵، ۷۷-۹۸.
30. Cohen-Malayev M. Schachter E. P. & Rich, Y. (2014), Teachers and the religious socialization of adolescents: Facilitation of meaningful religious identity formation processes. *Journal of Adolescence*, 37(2), 205-214.
31. Collet Sabe, J. (2007); "The crisis in religious socialization", *Social Compass*, 54(1):97-111.
32. Cornwall, C. (1987); "The social bases of religion: a study of factors influencing religious beliefs and commitment", *Review of Religious Research*, 29: 44-56.
33. Elkin, F., & Handel, G (1972). *The child and society: the process of socialization*. New York: Random house.

34. Glock, Charles Y, & Rodney, Stark (1965) Religion and Society in Tension. Chocago: Rand McNally & Company.
35. Hamplova, D. and Nesor, Z. R. (2009); Invisible religion in a non-believing country: the case of the Czech Republic, Social Compass, Vol. 56, no. 4 :581-597.
36. Himmelfarb, H. S. (2005); Agents of religious socialization among American Jews Sociological Quarterly, Vol. 20, Issue 4, PP 477-494.
37. Horton, B.P., & Hunt, C.L (1989), Sociology, 5th printing London. MC Graw-Hill.Book Campany.
38. Hunsberger, B. and Brown, L. B. (1984); Religious Socialization, apostasy, and the impact of family background, Journal for the Scientific Study of Religion, Vol. 23, no. 3, PP239-251.
39. Inskeep K. W. (1988); Religious Socialization, Office for Research, Planning and Evaluation, Evangelical Lutheran Church in America
40. Jarvis, P. (1974); Religious socialization in the junior school, Educational Research, Vol16 ,Issue 2: 100-106.
41. Langton, K.P, (1992), Political Socialization, London. Oxford University Press.
42. Park, J. Z. and Ecklund, E. H. (2007), NEGOTIATING CONTINUITY: Family and Religious Socialization for Second-Generation Asian Americans. The Sociological Quarterly, 48: 93-118.
43. Pluss, C. (2007); Analysing non-doctorinal socialization: British Journal of Sociology, Vol58 ,Issue 2, PP 253-275.
44. Regnerus, M. D. (2000); Shaping schooling success: Religious socialization and educational outcomes in Metropolitan public school, Journal for the Scientific Study of Religion, Vol. 39, no. 3, PP 363-378.
45. Scruton, R. (2007). The Palgrave Macmillan dictionary of political thought Springer.

Studying the Relationship between Religious Socialization and Political Socialization among the 18-28-Year-Old Youth in Iran's Central Province

Sare Delshad¹

Ph.D Student Department of Political Sociology, Naragh branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran

Mohammad hoseyn pouryani^{2*}

*Assistant Professor Department of Political Sociology, Naragh branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran.
(Corresponding author)*

Mahmood Shahidi³

Assistant Professor Department of International Relations, Naragh branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran

Abstract: Religious and political socialization is a stream by which religious and political culture or attitudes, visions, knowledge, information, and, in brief, religious and political values are transferred from one generation to another. The present research aimed at studying the relationship between religious socialization and political socialization. The theoretical framework of the research is a combination of Glock and Stark's theory of religiosity and Lucian Pye's Theory. According to the former theory, the religious socialization includes "belief", "practice", "experience", "knowledge", and "consequences". According to the later, political socialization includes five dimensions of "political activity," "political trust," "political effectiveness," "political interest," "political tolerance" which may become realizable in later stages and under a basic socialization, especially religious socialization. A survey method of descriptive-analytical type was used to do the research and, the data were gathered using two methods of documentary- and library-based and survey by the researcher-made questionnaire. The studied population included 384 individuals of 18-28-years old living in Iran's central province. Though, the rituals aspect – religious socialization, in particular – is on a lower level than the other aspects, the results showed the success of the youth religious socialization. In general, the political socialization, and internalization of political values and norms among the youth are lower in degree in comparison with religious socialization. The results also show that there is a significant relationship between the different dimensions of religious socialization and political socialization. The corrected coefficient of determination shows that 35% of the changes in the dependent variable political socialization was determined by the variables entered in the regression model.

Key words: Religious Socialization, Political Socialization, the Youth, the Central Province.

¹ E-mail: sare.delshad66@gmail.com

² E-mail: mhpouryani@yahoo.com (Corresponding Author)

³ E-mail: mahmoodshahidi@yahoo.com